

بررسی اثر فقر روستایی بر تخریب جنگلهای زاگرس

ابوالمحمد بندری*^۱، بهمن خسروی پور^۲

۱- دانشجوی دکتری، گروه ترویج و آموزش کشاورزی، دانشکده مهندسی زراعی و عمران روستایی، دانشگاه علوم کشاورزی و منابع طبیعی خوزستان، ملاتانی، ایران.

bondori.a62@gmail.com

۲- استاد گروه ترویج و آموزش کشاورزی، دانشکده مهندسی زراعی و عمران روستایی، دانشگاه علوم کشاورزی و منابع طبیعی خوزستان، خوزستان، ملاتانی، ایران.

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۲/۲۶

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۲/۱۶

چکیده

جنگل‌ها به عنوان یکی از منابع پایه تجدیدشونده، نقش مهمی در ایجاد بستر مناسب برای توسعه فعالیت‌های اقتصادی و اجتماعی ایفا می‌کنند. نقش جنگل در حفظ آب، خاک و تعادل بوم‌نظام‌های مختلف بسیار بارز و از بعد اقتصادی نیز مؤثر است. کشور ایران به دلیل قرار گرفتن بر کمربند خشک جهان در زمینه‌ی پوشش جنگلی فقیر بوده و از نظر رتبه جزء آخرین کشورهای جنگلدار است. جنگلهای زاگرس به عنوان وسیعترین ناحیه رویشی ایران و با ۵ میلیون هکتار مساحت، حدود ۴۰ درصد کل جنگلهای ایران را به خود داده است این جنگل‌ها نقش بسیار مهمی را در تأمین آب، حفظ خاک، تعدیل آب و هوا و تعادل اقتصادی و اجتماعی در کل کشور دارند شرایط اقتصادی و اجتماعی حاکم بر این ناحیه رویشی سبب گردیده تا ساکنان محدوده‌های جنگلی برای تأمین نیازهای معیشت خود به شدت به منابع جنگلی این عرصه‌ها وابسته شوند. در بسیاری مواقع بیان می‌شود که مردم فقیر در مناطق جنگلی به تخریب جنگل‌ها می‌پردازند زیرا برای امرار معاش وسیله دیگری به جز محیط زیست ندارند. بنابراین حفاظت از آنها بسیار مهم است. لذا هدف اصلی این پژوهش بررسی اثر فقر روستایی بر تخریب جنگلهای زاگرس بود. پژوهش حاضر از نوع تحقیق کاربردی و از نظر روش تحقیق تحلیلی-توصیفی و به صورت مطالعه اسنادی-کتابخانه‌ای و منابع علمی است. یافته‌های این تحقیق نشان داد پایین بودن سطح اقتصادی روستا و درآمد کم خانوارهای روستایی یکی از دلایل تخریب جنگل‌های زاگرس است. بنابراین در این تحقیق در جهت کاهش میزان جنگل‌های زاگرس ضروری است تا جهت کاهش تخریب جنگل‌های زاگرس سیاست‌های فقرزدایی اجرا شود.

کلمات کلیدی: فقر، تخریب جنگل، محیط زیست، تنوع گونه‌ای، روستاییان

بیان مسئله

سرعت جهانی انقراض گونه‌ها و تأثیرات اجتناب‌ناپذیر انسان بر تنوع زیستی، نیاز به حفظ، بازسازی و استفاده پایدار از اکوسیستم‌ها را افزایش داده است. منابع مستقر در زمین و به ویژه جنگل‌های طبیعی به دلیل رشد اقتصادی و جمعیت و همچنین تغییرات مرتبط در مصرف، در سطح جهان تحت فشار فزاینده‌ای قرار دارند. منابع طبیعی هر جامعه، ثروت آن جامعه می‌باشند از این رو جنگل‌ها به عنوان یکی از منابع ثروت ملی در کشور ما از اهمیت خاصی برخوردارند (ایزدی و همکاران، ۱۴۰۱). از نظر جغرافیایی، کشور ایران در منطقه‌ای از نیمکره شمالی واقع شده و از نظر جنگل فقیر است. با توجه به تنوع اقلیمی کشور، وسعت زیاد آن و رشته کوه‌های البرز و زاگرس، جنگل‌های متنوعی گسترش یافته‌اند (کیانی و همکاران، ۱۳۹۹). مهندس کریم ساعی جنگل‌شناس معروف ایرانی سطح جنگل‌های ایران را در گذشته بیش از ۳۰ میلیون هکتار می‌دانسته و هانس بویک جغرافیدان معروف آلمانی مساحت جنگل‌های ایران را در هزار سال قبل قریب ۸۰ میلیون هکتار برآورد کرده است (ولایتی و همکاران، ۱۳۸۵؛ حکیمیان، ۱۳۸۷). از مساحت تحت پوشش جنگل‌های ایران تاکنون دوبار به طور رسمی آمار تهیه شده است یک بار در سال ۱۳۴۳ با استفاده از عکس‌های هوایی توسط وزارت منابع طبیعی و دیگری در سال ۱۳۷۲ با استفاده از تصاویر ماهواره‌ای بر اساس آمار ۱۳۴۳، در شمال کشور حدود ۳/۴ میلیون هکتار جنگل وجود داشته این رقم در حال حاضر به ۱/۹ میلیون هکتار کاهش یافته است (عواطفی همت همکاران، ۱۳۹۲). پوشش جنگلی ایران حدود ۱۲ میلیون هکتار با ۷/۶ درصد خاک کشور را در بر می‌گیرد از مجموع ۱۲ میلیون هکتار سطح جنگل، ۱/۸ میلیون هکتار آن در کرانه‌های دریای خزر، ۳/۵ میلیون هکتار آن در غرب و جنوب کشور و ۷/۴ میلیون هکتار آن به صورت پراکنده در حاشیه کویر بصورت پسته، ارس و غیره یافت می‌شود (ولایتی و همکاران، ۱۳۸۵؛ علقلی زاده و همکاران، ۱۳۹۵). صدها میلیون نفر از مردم سراسر جهان به جنگل‌ها وابسته‌اند که شکل و میزان این وابستگی با گذر زمان و پیشرفت‌های اقتصادی-اجتماعی متفاوت است. جنگل‌نشینان و مالکان کوچک که در اطراف جنگل زندگی می‌کنند، از سطح درآمد و توسعه کمتری نسبت به سایر مردم برخوردارند و این موضوع بر میزان و شکل استفاده آنها از منابع جنگلی در این مناطق تأثیر می‌گذارد و گاهی به تخریب منابع می‌انجامد (اسحاقی میلوسی و همکاران، ۱۳۹۶). به طور کلی کاهش کمی و کیفی جنگل تخریب جنگل نامیده می‌شود. مناطق خشک و نیمه خشک استعداد بیشتری برای تخریب منابع طبیعی دارند جنگل‌های زاگرس که تحت عنوان جنگل‌های نیمه خشک طبقه بندی شده‌اند (مهدوی و همکاران، ۱۳۹۸). جنگلهای زاگرس به عنوان وسیعترین ناحیه

رویشی ایران و با ۵ میلیون هکتار مساحت، حدود ۴۰ درصد کل جنگلهای ایران را به خود داده است اما به دلایلی مانند افزایش جمعیت، ناموزونی و نابرابری نیازهای حیاتی و مقدار تولیدات و خدمات، چرای بی رویه دام توسعه اراضی کشاورزی تامین چوب برای سوخت سرشاخه زنی درختان و بسیاری عوامل دیگر دچار تخریب شده است (محمدی و همکاران، ۱۳۹۵). زاگرس به طور عمده از گونه های بلوط و چند گونه دیگر مانند بنه و بادام تشکیل شده اند، گونه بنه به عنوان یکی از گونه های مهم جنگل های زاگرس پس از بلوط، نقش بسیار مهمی در تثبیت خاک، جلوگیری از فرسایش، تولید و برداشت میوه و تولید سقز دارد (عرفانی فرد، ۱۳۹۲).

جنگل های زاگرس نقش بسیار مهمی را در تأمین آب، حفظ خاک، تعدیل آب و هوا و تعادل اقتصادی و اجتماعی در کل کشور دارند شرایط اقتصادی و اجتماعی حاکم بر این ناحیه رویشی سبب گردیده تا ساکنان محدوده های جنگلی برای تأمین نیازهای معیشت خود به شدت به منابع جنگلی این عرصه ها وابسته شوند (ایزدی و همکاران، ۱۴۰۱). مطالعات حاکی از آن است که افزایش نفوذ انسان ها به تدریج جنگل ها را تغییر و تخریب کرده است بر اساس تحقیقات انجام شده، ۳۱ درصد از عوامل تخریب در منابع طبیعی کشور را عوامل انسانی و تنها ۱۳ درصد را عوامل طبیعی تشکیل می دهد (همان). بنابراین از بین رفتن جنگل های جهان، نیازمند تغییری جامع و جمعی در جهت رفتار پایداری است (ایزدی و همکاران، ۱۴۰۱). در شرایط فعلی در اکثر مناطق روستایی ایران، به ویژه در روستاهای مناطق جنگلی، روستاییان در ارتباط تنگاتنگ با منابع طبیعی به طور اعم و جنگل به طور اخص هستند و بخشی از زندگی آنان به جنگل و منابع طبیعی وابسته است (حبیبی و همکاران، ۱۳۹۳). فقر و تخریب محیط زیست و منابع طبیعی به عنوان دو مشکل مهم در کشورهای در حال توسعه مطرح می باشد. در بسیاری مواقع بیان می شود که مردم فقیر در مناطق جنگلی به تخریب جنگل ها می پردازند زیرا برای امرار معاش وسیله دیگری به جز محیط زیست ندارند. درمباحث توسعه پایدار معمولاً وجود دور باطلی میان فقر و تخریب محیط زیست مسلم انگاشته می شود (سلطانی، ۱۳۸۵). به طوریکه عوامل اصلی تخریب محیط زیست، انسانهای فقیری هستند که به واسطه فشار بر منابع محیطی و بهره برداری غیراصولی و ناپایدار از این منابع، موجب تشدید تخریب محیط زیست شده (ولائی و همکاران، ۱۳۹۹). با توجه به اهمیت این جنگلها در حفاظت از خاک و جلوگیری از فرسایشهای مختلف و ضرورت حفظ این جنگل ها، آگاهی از میزان تخریب برای برنامه ریزان و مدیران بخش منابع طبیعی بسیار ضروری است. هرگونه برنامه ریزی برای تعیین شدت آسیب به جنگلها در مناطق مختلف و جلوگیری یا کند کردن آن نیازمند مطالعاتی شامل شناسایی عوامل تخریب و همچنین عوامل مؤثر در آن خواهد

بود (مهدوی و همکاران، ۱۳۹۸). بنابراین در مطالعه حاضر هدف آن است نقش بررسی اثر فقر روستایی بر تخریب جنگلهای زاگرس به صورت بصورت مروری مورد بررسی قرار گیرد .

مبانی نظری

فقر و تخریب جنگل

فقر پدیده پیچیده ای است که معمولاً بر حسب درآمد تعریف شده و بر اساس تولید ناخالص داخلی سرانه اندازه گیری می شود. خط فقر بر مبنای درآمد کم تر از یک دلار برای هر نفر در هر روز یا برابری قدرت خرید تعریف می شود. برخی محققان فقر را حداقل درآمد مورد نیاز افراد تحت بررسی تعریف می کنند منتقدان میگویند که اندازه گیری بر اساس تولید ناخالص داخلی یا برابری قدرت خرید تمام فقر را بیان نمی کند (خداداد، ۱۳۹۸). یکی از بارزترین جنبه های فقر، رابطه آشکاری است که این پدیده با تخریب محیط زیست دارد. در این زمینه باید دانست که فقر به خودی خود "ناپایداری" می آفریند. محروم کردن روستاییان فقیر از درآمد کافی، آموزش مناسب، تساوی فرصتهای مشارکت و اتکای صرف به منبع درآمدی واحد، آنها را وادار میکند تا برای یک روز زندگی بیشتر، آنچه را نیاز دارند از محیط زیست بردارند (شریفی نیا و مهدوی حاجیلویی، ۱۳۹۰). تا حدی که گزارش شده است در ابتدای هزاره سوم، بیش از (هشتصد میلیون نفر) یعنی در حدود ۱۹ درصد مردم جهان با درآمدی کمتر از یک دلار در روز، در فقر مطلق به سر برده اند (خداداد، ۱۳۹۸). فقر روستایی و تاثیر آن بر تخریب منابع طبیعی یکی از چالشهای عمده توسعه پایدار است. از عوامل اصلی تخریب منابع طبیعی و محیط زیست در اقتصاد رو به تغییر یا توسعه منطقه، فقیر شدن روستاییان بر اثر فشار افزایش جمعیت است. بطوریکه طبق نتایج سرشماریها، جمعیت منطقه طی ۷۰ سال گذشته بیش از ۵ برابر شده است. مارتی ۲۰۰۹ معتقد است در فناوری کشاورزی سنتی، افزایش جمعیت سبب میشود که زمین مناسب برای کشت در دسترس نباشد و فقرا ناگزیر شوند که در حدی افزون بر توان بازتولید منابع طبیعی برای تهیه الوار و سوخت، درختان جنگلی را قطع کنند و دامها را در مراتع بچرانند (فرج الهی و همکاران، ۱۳۹۹). از آنجایی که کشور ما جز کشورهای در حال توسعه است و در این کشورها فقر و بیکاری زیادی دیده می شود و انسانها در این کشورها به میزان زیادی به محیط زیست خود وابسته اند، به نظر می رسد بین تخریب محیط زیست و فقر جوامع ارتباط وجود دارد (خداداد، ۱۳۹۸). خط فقر روستایی در سال ۱۳۹۴ برابر ۳۸ میلیون ریال برای هر فرد روستایی در سال است (اسحاقی میلانی و همکاران،

(۱۳۹۶). لازم به ذکر است خط فقر در سال ۱۴۰۱ بین ۳۰۰ میلیون ریال یا ۲۰۰ میلیون ریال برای هر فرد روستایی در سال است. فقر پدیده‌های اجتماعی و اقتصادی و فرهنگی است که از فقدان تأمین حداقل نیازهای اساسی برای زیستن و سیر به سوی سعادت ناشی می‌شود. فقر یک مانع اساسی در تحقق هدفهای توسعه پایدار است. فقر حاد در بسیاری از کشورهای در حال توسعه موجب تنزل کیفیت محیط زیست، تخریب جنگل‌ها و آسیب رسانی به منابع طبیعی شده است (خداداد، ۱۳۹۸). اقشار فقیر معمولاً فشار فزاینده‌ای بر منابع طبیعی وارد می‌آورند، که این امر در نتیجه رشد جمعیت، دسترسی محدود به زمین یا دسترسی به زمین‌هایی با کیفیت پایین و منابع اندک برای سرمایه‌گذاری و مدیریت منابع پایدار است (فیروزآبادی و همکاران، ۱۳۹۱). فقر همچنین ناتوانی انسان در برآورده ساختن حد کافی نیازهای بنیادی خود، به منظور رسیدن به یک زندگی آبرومند به عنوان شرط لازم برای رسیدن به کمال معرفی شده است (فرج‌الهی و همکاران، ۱۳۹۹). فقر روستایی به واسطه فشار بر منابع محیطی و بهره‌برداری غیراصولی و ناپایدار از این منابع، موجب تشدید تخریب محیط زیست می‌شود؛ و بحرانهای زیست‌محیطی نیز به واسطه تحلیل و از بین بردن منابع مورد استفاده روستاییان، بر شدت فقر آنان می‌افزاید (شریفی نیا و مهدوی حاجیلویی، ۱۳۹۰). امروزه پیامدهای اقتصادی - اجتماعی رشد سریع جمعیت بیش از هر زمان دیگر موجبات تخریب منابع طبیعی تجدید شونده از جمله جنگلها و مراتع را فراهم آورده است. با توجه به اینکه عامل اصلی تخریب خود بهره‌برداران هستند، بنابراین قبل از انجام هر نوع برنامه اصلاحی باید مسائل اقتصادی و اجتماعی مردم ساکن در آن عرصه را شناخت و بر اساس این مسائل و مشارکت و همکاری خود بهره‌برداران برای هر منطقه برنامه‌ریزی کرد (فرج‌الهی و همکاران، ۱۳۹۹). اگر قرار است راه حلی برای این مسئله پیدا شود، لازم است که نخست، ارتباط فقر - تخریب محیطی بررسی و آنالیز شود و سیاستهایی برای کاهش یا رفع کامل این دو مشکل تعیین گردد؛ و دوم، عوامل فقر اقتصاد روستاییان که مشخصاً عبارتاند از رکود در تولیدات کشاورزی، ضعف و قلت پول خانوار روستایی، عدم تنوع در فعالیتهای اقتصادی، رژیمهای مالکیت ناصحیح، بیکاری و نظایر اینها از میان برداشته شوند. به نظر میرسد که عامل دیگر تخریب محیط روستاییان فقیر در این کشورها، نادیده‌مانگاری یا اهمال دولتها و مسئولان مملکتی در آموزش مردم است (شریفی نیا و مهدوی حاجیلویی، ۱۳۹۰).



شکل ۱: تخریب درختان بلوط در قسمت مناطق شرقی شهرستان ایذه

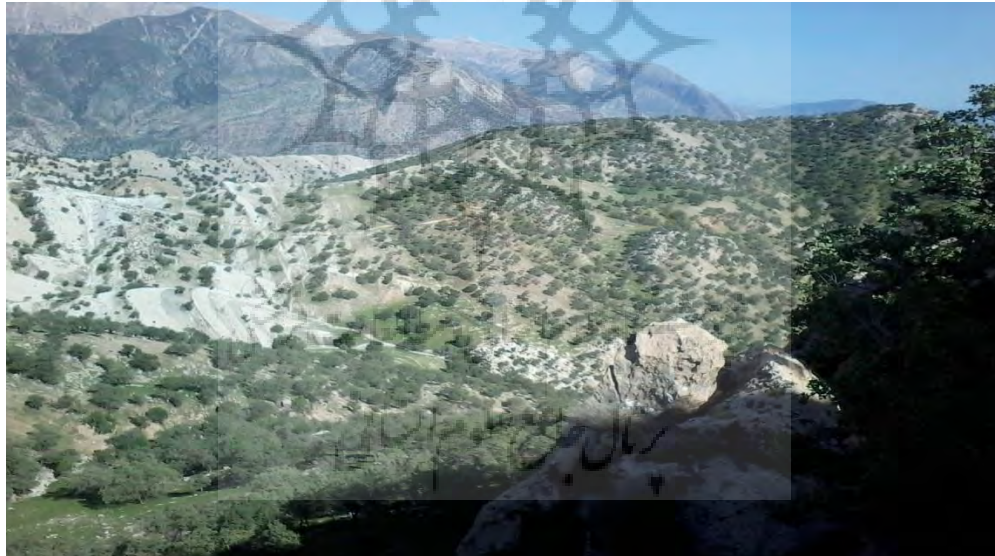


شکل ۲: تخریب درختان بادام کوهی در قسمت مناطق شرقی شهرستان ایذه

ژورنال جامع علوم انسانی
مطالعات فرهنگی



شکل ۳: سهل انگاری و عدم آموزش دامداران در طبیعت باعث آتش سوزی تخریب درخت کلوخنگ



شکل ۴: طبیعت بکر مملو از درختان بلوط در مناطق شرقی رشته کوه‌های زاگرس شهرستان ایذه



شکل ۵: طبیعت بکر از درختان بلوط تنگ آب سرپ (کوه منگشت) شهرستان ایذه. ۱۴۰۲/۱/۲۱



شکل ۶: چاه قدیمی زغال و تخریب درختان بلوط تنگ آب سرپ (کوه منگشت) شهرستان ایذه. ۱۴۰۲/۱/۲۱

پیشینه تحقیق

نتایج به دست آمده از مدل معادله‌های ساختاری تحلیل مسیر مطالعه ایزدی و همکاران^۱ (۱۴۰۱). نیز نشان داد، متغیرهای هنجار اخلاقی، نیت و کنترل رفتاری درک شده تأثیر مثبت، مستقیم و معنی دار و متغیرهای هنجار اخلاقی، نگرش و کنترل رفتاری درک شده دارای تأثیر غیرمستقیم و معنی داری بر متغیر رفتار می‌باشند. در نهایت نظریه‌ی رفتار برنامه‌ریزی شده با واسطه متغیر هنجار اخلاقی می‌تواند به ترتیب ۵۲ و ۳۸ درصد از تغییرات متغیرهای نیت و رفتار خانوارهای روستایی را نسبت به حفاظت از جنگل‌ها پیش‌بینی کند.

یافته‌های پژوهش ایزدی و همکاران^۲ (۱۴۰۱). نشان داد، چهار متغیر آگاهی از نیاز، هنجار ذهنی، آگاهی از عواقب و خودکارآمدی بر هنجار اخلاقی افراد نسبت به حفاظت از جنگل‌های زاگرس تأثیر می‌گذارند. همچنین، رفتار حفاظت از جنگل‌ها به طور معنی‌داری توسط هنجار اخلاقی و متغیر احساس غرور تبیین می‌شود. نتایج این مطالعه پیامدهای مهمی برای سیاستمداران، سازمان‌های غیردولتی، سازمان‌های بین‌المللی که هدف آن‌ها ترویج فرهنگ حفاظت از منابع طبیعی، محیط‌زیست و جنگل‌ها می‌باشد را به همراه دارد.

نتایج تحقیق ایزدی و همکاران^۳ (۱۴۰۱). نشان داد، متغیرهای سرمایه اجتماعی و نگرش زیست‌محیطی بر هنجار اخلاقی مؤثر هستند و متغیرهای هنجار اخلاقی، مسئولیت‌پذیری زیست‌محیطی، نگرش زیست‌محیطی و آگاهی‌های زیست‌محیطی بر نیت به صورت مستقیم و بر رفتار به صورت غیرمستقیم تأثیرگذار بوده‌اند. همچنین دو متغیر سرمایه اجتماعی و نیت، تأثیر مثبت مستقیم و معنی‌داری بر رفتار خانوارهای روستایی در حفاظت از جنگل‌ها داشتند و این متغیرها در نهایت توانستند به ترتیب ۶۲، ۶۱ و ۴۶ درصد از تغییرات متغیرهای هنجار اخلاقی، نیت و رفتار خانوارهای روستایی را نسبت به حفاظت از جنگل‌ها پیش‌بینی کنند. اطلاعات به دست آمده از این پژوهش می‌تواند به عنوان گام مهمی در توسعه سیاست‌ها و تدوین مداخلات مناسب برای حفاظت از جنگل‌ها محسوب شود.

نتایج پژوهش آرخی و همکاران (۱۴۰۰) نشان داد که در طول ۴۱ سال حدود ۳۳۷۲۱ هکتار از سطح جنگل‌های شهرستان سردشت کاسته شده است. با توجه به نتایج مشخص شد که از متغیرهای توپوگرافی، پارامترهای فاصله از جاده و فاصله از روستا بر میزان تخریب جنگل بیشترین تأثیر را داشته‌اند.

خلیلی اردلی و همکاران (۱۴۰۰) نشان داد عوامل متعددی در بهره برداری و استفاده بیرویه روستاییان تاثیرگذار است. فقر روستایی به واسطه فشار بر منابع محیطی و بهره برداری غیراصولی و ناپایدار از این منابع، موجب تشدید تخریب محیط زیست میشود. در کشورهای در حال توسعه، در حال حاضر گروههای انسانی به صورت جوامع عقب مانده از توسعه و در حال جدال با فقر مادی و منابع طبیعی زندگی میکنند. منطقه زاگرس در کشور ما جز این مناطق هستند که فقرا در تلاش برای بقاء، بیش از حد از منابع طبیعی استفاده میکنند و در نتیجه، فشار زیادی بر محیط زیست وارد می آورند.

کرامتی و مقدم (۱۳۹۳) به این نتیجه رسیدند فقر روستایی به واسطه فشار بر منابع محیطی و بهره برداری غیر اصولی و ناپایدار از منابع، موجب تشدید تخریب محیط زیست می شود و بحران های زیست محیطی نیز به واسطه تحلیل و از بین بردن منابع مورد استفاده روستاییان، بر شدت فقر آنان می افزاید. هدف از این تحقیق بررسی نقش فقر اقتصادی روستاییان بر تخریب محیط زیست جنگل های بلوط زاگرس در بخش فیروزآباد شهرستان سلسله در استان لرستان است. داده های مربوطه از روش میدانی و از طریق پرسشنامه و همچنین اطلاعات موجود در اداره منابع طبیعی شهرستان سلسله جمع آوری شده اند. در این تحقیق عامل فقر اقتصادی به کمک شاخص بیکاری بر تخریب جنگل بررسی شد. جهت این بررسی شاخص عملکرد مستقیم انسان بر تخریب جنگل (برداشت هیزم به عنوان سوخت مصرفی) اندازه گیری شد. که نتایج حاصله تأیید می کند از عوامل مهم و ابتدایی و غیرقابل انکار در تخریب جنگل، فقر اقتصادی روستاییان است که بایستی این مسئله در برنامه ریزی ها برای جوامع (به خصوص جمعیت جوان و بیکار روستاییان) و منابع طبیعی در مسیر رسیدن به توسعه پایدار مورد توجه بیش از پیش مسئولین مربوطه قرار گیرد.

نتایج حاصل از پژوهش قاسمی و همکاران (۱۳۹۵) حاکی از آن است که از دیدگاه کارشناسان و مردم محلی، عوامل انسانی (نظیر کمبود زمین های زراعی، تبدیل جنگل به اراضی کشاورزی توسط جنگل نشینان و حاشیه نشینان، فقر اقتصادی و پایین بودن درآمد، بالا بودن نرخ بیکاری در منطقه) نسبت به عوامل طبیعی (نظیر خشکسالی و آتش سوزی) در تخریب جنگل های منطقه مؤثرتر بوده اند و در اولویت بالاتری قرار دارند. اولویت بندی عوامل انسانی و طبیعی مؤثر بر تخریب جنگل های منطقه نشان داد که از دید مردم محلی، کمبود زمین های زراعی (میانگین رتبه ۷/۵۸) و از نظر کارشناسان نیز تبدیل جنگل به اراضی کشاورزی توسط جنگل

نشینان و حاشیه‌نشینان (میانگین رتبه ۱۱/۲۵) حائز رتبه های اول بودند. همچنین نتایج تحقیق نشان داد که بین میزان درآمد و عوامل مؤثر بر تخریب ارتباط معکوس معنی داری ($P < 0.001$) وجود دارد.

توحیدی و همکاران (۱۳۹۷) در تحقیق خود نشان داد یکی از عوامل اصلی تخریب جنگل‌های شمال که باعث از بین رفتن گونه‌های گیاهی می شود چرای دام است. از این رو اقدام به ارزیابی طرح سامان دهی خروج دام در سری ۲ مکارود از حوزه ۳۶ کاظم رود در استان مازندران گردیده است. در این پژوهش اقدام به برداشت تراکم زادآوری در دام سراهای تخریب شده و سراهای دامی موجود در سه طبقه ارتفاعی ۵ متر، ۵ تا ۱/۳ متر و بیش از ۱/۳ متر، به فاصله از مرکز نمونه ۱۰ متر، ۲۰ متر و ۳۰ متر در چهار جهت اصلی به منظور مقایسه درونی با یکدیگر گردید. نتایج حاصل از این بررسی نشان داد که هرچه از مرکز نوار به سمت فاصله های بیش تر برویم میزان زادآوری افزایش می یابد. همچنین میزان این فراوانی در طبقات ارتفاعی بیش از ۱/۳ متر بیش تر و مقدار آن عموماً در جهت غربی از تراکم بالاتری برخوردار است و مقدار این تراکم در جهت جنوبی از همه کم تر می شود. مقایسه زادآوری بین دو منطقه در این سه طبقه ارتفاعی مشخص نمود که بین آن ها تفاوت معنی دار وجود دارد، این بدان معنی است که با انجام طرح خروج دام از جنگل بر تراکم تجدید حیات طبیعی منطقه افزوده شده است. لازم است نهادها و سازمان ها از طریق قانونی متعهد به انجام وظایف و تعهدات محوله باشند و از طریق ستاد هماهنگ کننده ای هدایت و کنترل شوند.

سواری و همکاران (۱۴۰۱) با این نتیجه رسیدند سطح تحصیلات، میزان وابستگی به جنگل، هنجارهای اجتماعی، احساس تعلق، مسئولیت‌پذیری اجتماعی، مشارکت اجتماعی، محیط‌زیست‌گرایی اجتماعی، خودکارآمدی و دانش و اطلاعات محیط‌زیستی با نگرش زنان روستایی نسبت به حفاظت از جنگل رابطه مثبت و معنی‌داری دارد. علاوه بر این، نتایج رگرسیون نشان داد که چهار عامل خودکارآمدی، مسئولیت‌پذیری اجتماعی، محیط‌زیست‌گرایی اجتماعی و میزان وابستگی به جنگل اثر مثبت و معنی‌داری بر نگرش زنان روستایی دارند و این عامل‌ها قادر هستند ۶۰/۳ درصد از واریانس متغیر وابسته تحقیق را تبیین نمایند. با توجه به اهمیت بالای متغیر خودکارآمدی در تبیین نگرش حفاظتی زنان روستایی نیاز است با آموزش صحیح روش‌های حفاظت از جنگل در میان زنان روستایی، مهارت‌های حرفه‌ای آنان تقویت شود. همچنین می‌توان با تصویر کشیدن آثار تخریب جنگل در بلندمدت بر معیشت خانوارهای روستایی و محیط‌زیست به تقویت نگرش آنان در راستای انجام رفتارهای دوستدارانه در محیط‌زیست اثر گذاشت.

یافته‌ها تحقیق معیری و همکاران (۱۳۹۴) نشان می‌دهد که مشارکت اعضا در امور تعاونی‌ها در حد کم رو به متوسط است. همچنین، تأثیر تعاونی‌های جنگلداری در توسعه روستایی اندک است. با این حال، رابطه مشارکت اعضا در امور تعاونی با تأثیر تعاونی در توسعه روستا، رابطه مثبت قوی و معنی‌دار است. نتایج تحلیل مسیر نیز نشان داد که از بین ابعاد مشارکت اعضا در تعاونی‌های جنگلداری، مشارکت در تقسیم منافع بیشترین اثر مستقیم بر توسعه روستایی را دارد، اما از نظر مجموع آثار مستقیم و غیرمستقیم، متغیر مشارکت در اجرا، بیشترین تأثیر را بر توسعه روستایی داشته است. استفاده از مشارکت و همکاری اعضا تعاونی در تمام امور مربوط به تعاونی‌های جنگلداری و تلاش تعاونی‌ها برای ارتقای درآمد و تولید در تعاونی، از پیشنهادهای تحقیق حاضر است.

دریجانی و همکاران (۱۳۹۶) نشان دادند بین متغیرهای اندازه تحصیلات، اندازه اراضی زراعی و باغی و هنجارهای اجتماعی و مشارکت جوامع محلی در پروژه رابطه معنی‌دار مثبت و بین متغیرهای سرمایه اجتماعی و سرمایه فرهنگی و مشارکت جوامع محلی در پروژه رابطه معنی‌دار منفی وجود دارد. نتایج تحلیل رگرسیون نشان داد، ۳۸ درصد تغییرات مشارکت از طریق متغیرهای سرمایه فرهنگی، سرمایه اجتماعی، اندازه اراضی زراعی، تعداد گوسفند و اندازه درآمد ماهانه تبیین‌پذیر است. ارتباط بیشتر کارشناسان با جامعه محلی و توجه بیشتر به مشارکت گروه‌های خاص از جمله زنان و افراد غیر بومی در پروژه از جمله پیشنهادهای این پژوهش بوده است.

بر اساس نتایج تحقیق باقری و همکاران (۱۳۸۹) متغیرهای شیب، فاصله از روستا و جاده با مقدار تخریب رابطه عکس دارند. با افزایش ارتفاع از سطح دریا در این منطقه مقدار تخریب افزایش می‌یابد و تخریب در اطراف روستاهای پرجمعیت بیشتر است.

بر اساس یافته‌های تحقیق، نورزاد مقدم و همکاران (۱۳۹۳) نشان داد مصرف سوخت هیزمی در روستای برکن ۱/۸۷ مترمکعب، در روستای کلیک ۱/۹۶ متر مکعب و در روستای کهنه‌ده ۲/۱۷ متر مکعب در ماه به ازای هر خانوار است. مقدار مصرف کل سالانه خانوارهای روستای برکن ۴۴۸/۸ مترمکعب، روستای کلیک ۳۶۹/۶ متر مکعب و روستای کهنه‌ده ۱۷۹/۸ متر مکعب است. با توجه به مساحت جنگل‌های سامان عرفی روستاها سالانه به طور متوسط حدود ۱/۷۴ مترمکعب در هکتار هیزم توسط روستاییان از جنگل برداشت می‌شود. همچنین بین مقدار مصرف چوب هیزمی در جوامع مرتبط با جنگل با مقدار دارایی‌های خانوار به عنوان شاخصی از میزان درآمد، میزان دوری

و نزدیکی به پوشش جنگلی، تراکم پوشش جنگلی و حد دسترسی به منابع انرژی جایگزین همانند نفت سفید و گاز مایع روابطی وجود دارد که شناسایی دقیق آنها نیازمند تحقیقات بیشتر است.

سلطانی و همکاران (۱۳۸۵). به این نتیجه رسیدند درمباحث توسعه پایدار معمولاً وجود دور باطلی میان فقر و تخریب محیط زیست مسلم انگاشته می شود. به گونه ای که مردم فقیر برای تامین معاش خود به منابع طبیعی بعنوان سهل الوصول ترین منبع تامین معیشت و درآمد پناه برده و آن را با دامداری، استفاده برای تامین انرژی و تغییر کاربری به کشاورزی، بیش از حد مورد بهره برداری قرار می دهند و افزایش جمعیت نیز این وضعیت را تشدید می نماید و این باعث کاهش بازده زمین و تخریب منابع طبیعی می شود و محصولات آنها به لحاظ کمی و کیفی کاهش می یابد و در نتیجه فقیرتر می شوند و این چرخه ادامه می یابد. بنابراین فقر و تخریب جنگلها به عنوان دو معضل مهم در کشورهای در حال توسعه مطرح می باشد.

نتایج حاصل از تحلیل پژوهش روستا و حاجی آباد (۱۳۹۲) نشان داد بیانگر آن است که بین متغیرهای میزان تحصیلات، سابقه شرکت در دوره های آموزشی، مشاوره با متخصصان موضوعی، آموزش های عملی و متغیر دانش فنی بهره برداران درباره مدیریت پایدار منابع طبیعی با ۹۹ درصد اطمینان رابطه معنی داری وجود دارد. نتایج حاصل از تحلیل رگرسیون چندگانه نشان داد که متغیرهای پیش بین به ترتیب ۶۷ درصد، ۶۵ درصد و ۵۸ درصد از تغییرات واریانس متغیرهای وابسته دانش فنی، نگرش و مهارت بهره برداران منابع طبیعی درباره مدیریت پایدار منابع طبیعی را بیان می کنند.

محمدی تمیری و احمدوند (۱۳۹۶) به این نتیجه رسیدند متغیرهای سن، سطح تحصیلات، سطح درآمد خانوار، باور به بحران تخریب جنگل، نگرش گروه مرجع، محیط گرایی، محدودیت در رشد و بحران محیطی، رابطه معنی داری با نگرش به مدیریت مشارکتی جنگل داشتند. یافته های آزمون رگرسیون سلسله مراتبی نمایان ساخت، متغیرهای نگرش گروه مرجع، سن، بحران محیطی، محدودیت در رشد و تعداد اعضای خانوار در مجموع ۶/۵۲ درصد از واریانس (تغییرات) نگرش به مدیریت مشارکتی جنگل را تبیین می کنند. نتایج آزمون برازش مدل نشان داد که شاخص های CFI، NFI، IFI، RMSEA و CFI در سطح مطلوبی قرار داشته و اعتبار مدل رگرسیونی را تأیید می کنند. در پایان پیشنهاد می شود کارشناسان و مروجان منابع طبیعی در فرایند ترغیب

روستاییان به مشارکت در مدیریت جنگل از روستاییان مسن تر و با تجربه به عنوان گروه های مرجع استفاده نمایند تا از طریق این رهبران اجتماعی، نگرش مثبتی به مشارکت در جوامع محلی ایجاد گردد.

یافته های پژوهش رحیمیان و همکاران (۱۳۹۵) نشان داد بین میزان بهره‌مندی پایدار از جنگل و متغیرهای سن، سابقه کار کشاورزی و سابقه کار دام‌داری رابطه‌ی منفی و معنی‌دار در سطح یک درصد و بین میزان بهره‌مندی پایدار از جنگل و متغیرهای درآمد، میزان تحصیلات، میزان مشارکت در فعالیت‌های کشاورزی، میزان مشارکت در فعالیت‌های دام‌داری، تعداد روزهای حضور در جنگل به همراه دام، میزان مشارکت در مدیریت جنگل، میزان دانش و آگاهی نسبت به جنگل، میزان دسترسی به خدمات و امکانات روستایی، میزان آموزش‌های کسب شده، میزان حمایت نهادهای رسمی از جنگل‌نشینان و نگرش زیست‌محیطی در سطح یک درصد رابطه‌ی مثبت و معنی‌دار وجود داشت. طبق نتایج رگرسیون هفت متغیر میزان آموزش‌های کسب شده، مشارکت در مدیریت جنگل، میزان تحصیلات، دسترسی به خدمات و امکانات روستایی، تعداد روزهای حضور در جنگل به همراه دام، حمایت نهادهای رسمی و دانش و آگاهی نسبت به جنگل به ترتیب وارد معادله شده که در مجموع توانستند ۷۹ درصد از تغییرات متغیر وابسته را تبیین نمایند.

اسحاقی میلوسی و همکاران (۱۳۹۶) نشان داد مردم منطقه از ۹ راهبرد معیشتی کسب درآمد می‌کنند که درآمد حاصل از کارگری در جایگاه اول قرار دارد و جنگل با درآمد سالانه ۲۷ میلیون ریال برای هر خانوار دومین سهم اقتصادی را با ۱۸/۰۷ درصد داراست. ۷۶ درصد افراد زیر خط فقر قرار دارند که با حذف درآمد جنگل، این عدد به ۸۸ درصد رسیده است و ۱۲ درصد خانوارها به زیر خط فقر منتقل شده‌اند که سبب افزایش ۱/۵۴ برابری عمق فقر شده است. شاخص فوستر، گریر و توربک برابر ۰/۱۵ بوده است که پس از حذف درآمد جنگل به ۰/۲۳ رسیده است. همچنین حذف درآمد جنگل، سبب افزایش ۱۱ درصدی در توزیع نابرابر درآمدها می‌شود. ضروری است با تعیین راهبردهای صحیح نسبت به کاهش وابستگی به جنگل توسط جایگزینی فعالیتی مناسب اقدام کرد تا در نتیجه آن شدت تخریب جنگل‌ها کاهش یابد.

یافته های پژوهش حبیبی و همکاران (۱۳۹۳) نشان داد رابطه مثبت و معنی‌داری بین متغیرهای میزان تحصیلات، سن، درآمد حاصل از فعالیت‌های کشاورزی، میزان ارتباط با مسئولین منابع طبیعی، میزان شرکت جنگل‌نشینان در دوره‌های آموزشی- ترویجی، میزان آگاهی و شناخت جنگل‌نشینان از فواید جنگل و میزان مدیریت صحیح

اعمال شده توسط جنگل‌نشینان، رابطه معنی‌داری وجود دارد. در مجموع، پیشنهاد می‌شود که آگاهی و دانش جنگل‌نشینان در رابطه با مدیریت جنگل افزایش یابد.

یافته‌های پژوهش فیروزآبادی (۱۳۹۱) نشان داد تخریب محیط زیست در منطقه مورد بررسی، نه تنها کاملاً ناشی از طرز عملکرد خانوارهای فقیر نبوده است، بلکه حتی نقش فقرا در تخریب محیط در مقابل آثار مخربی که فعالیت‌های صنعتی تاکنون در منطقه داشته، بسیار ناچیز بوده است. مقوله‌ای که نقشی بسیار مهم در پیوند دو پدیده فوق دارد و به عنوان مقوله اصلی پژوهش در نظر گرفته شده است، «پدیده تضاد منافع» است. منظور از تضاد منافع، شرایطی است که در آن منافع ساکنان جامعه محلی به طور کلی و فقرای روستایی به طور خاص، در تضاد با منافع ملی، سازمان‌های مجری و متولیان حفاظت از محیط زیست قرار می‌گیرد.

یافته‌های پژوهش عادل و همکاران (۱۳۸۶) نشان داد ابتدا افزایش روند جمعیت موجب افزایش روند فقر گردید که پس از آن تخریب جنگل‌های منطقه را به دنبال داشته است و فقر عشایر بومی را مجبور به مهاجرت کرده است. این شرایط در دره دنگ در حال نمایان شدن است، ولی در کمرگپ به علت اجرای جنگلداری سنتی، هنوز می‌توان از وقوع این تخریب و مهاجرت جلوگیری کرد. در پایان حفظ مردم و جنگلداری سنتی آنها و سپس در کنار آن اجرای جنگلداری مشارکتی برای حفظ و احیاء جنگلهای منطقه شولآباد توصیه می‌شود.

مهدوی و همکاران (۱۳۹۸) به این نتیجه رسیدند نگرش محیط‌گرایانه عشایر نشان داد طرح جایکا تأثیر زیاد و معناداری بر تغییر نگرش جامعه عشایری روستاهای درگیر در این طرح داشته و با توجه به میانگین نتایج حاصل شده نیز نگرش خودخواهانه عشایر ساکن در روستاهای مطالعه شده بیشتر از دو نوع نوع دوستانه و زیست‌کره بوده است. افزون بر این، نتایج به دست آمده از آزمون تحلیل عاملی نشان داد از مجموع ۱۳ عامل، ۶ عامل در مجموع ۶۹.۹۸ درصد از واریانس را تبیین می‌کنند و در بین این ۶ عامل، مهم‌ترین آن در رفتار زیست‌گرایانه، مسئولیت‌پذیری اجتماعی در برابر محیط‌زیست است که با مقدار ویژه ۱۳.۶۰، در مجموع واریانس ۳۶.۷۵ را در کل واریانس‌ها به دست آورده است. با توجه به نتایج به دست آمده، طرح جایکا سبب تغییر رفتارهای زیست‌محیط‌گرایانه عشایر منطقه پژوهش شده است که بهره‌برداران اصلی محیط‌زیست منطقه‌اند.

نتایج تحقیق لطیفی نیا و همکاران (۱۴۰۱) نشان داد مدل اولیه رفتار برنامه ریزی شده (TPB) به ترتیب ۶۳ و ۵۲ درصد از نیت و رفتار محیط‌زیست‌گرایانه گردشگران را در حفاظت از جنگل تبیین می‌کند. سه متغیر اصلی

نظریه رفتار برنامه ریزی شده شامل نگرش (ATT)، کنترل رفتاری درک شده (PBC) و هنجار ذهنی (SN) بود که همه آن ها تأثیرات مثبتی بر قصد گردشگران در حفاظت از جنگل داشتند. همچنین در تئوری توسعه یافته رفتار برنامه ریزی شده با گنجاندن متغیر نگرانی محیط زیستی (4 EC) درصد قدرت تبیین متغیر رفتار گردشگران افزایش یافت. در تحقیق حاضر نگرش گردشگران به عنوان مهمترین فاکتور شناسایی شد، بنابراین سیاست گذاران با تأکید بر آن می توانند در حفظ منابع طبیعی و جنگل مؤثر باشند. از سوی دیگر لازم است که سیاست های حمایتی برای حفاظت از جنگل با تأکید بر مشارکت گردشگران تدوین و اجرا شود.

خجسته و همکاران (۱۳۹۰) به این نتیجه رسیدند قطع پوشش گیاهی ۴۳٪ - بهره برداری بیش از پتانسیل منابع آب و خاک ۲۳٪ - چرای مداوم و بیش از ظرفیت ۲۳٪ - فعالیت های کشاورزی و کاربرد نهاده ها ۱۰٪ و بلاخره فعالیت های معدنی، صنعتی و توسعه شهری که به هر طریق باعث تخریب منابع آب و خاک و پوشش گیاهی میشود ۱٪؛ در نهایت برای جلوگیری از تخریب مراتع و جنگل ها و بر اساس عوامل تخریب راهکارهایی پیشنهاد شده است.

یافته های تحقیق علیقلی زاده و همکاران (۱۳۹۵) نشان داد مشارکت روستاییان در فعالیت های حفاظتی، احیایی و اجرایی کنونی پایین است، در حالی که ساکنان روستاهای مناطق جنگلی تمایل بسیار بالایی برای مشارکت دارند. همچنین، بررسی همبستگی بین متغیرها نشان داد که رابطه میزان مشارکت روستاییان در فعالیت های منابع طبیعی در وضعیت موجود با عوامل اجتماعی، اقتصادی و نهادی - ساختاری معنی دار است.

محمدی و همکاران (۱۳۹۴) نشان داد که معیشت اکثریت جامعه پژوهش، وابسته به منابع جنگلی، ذی نفعان دارای سطح سواد پایین، درآمد کم و بعد خانوار زیاد بودند. نتایج مدلسازی ساختاری بیانگر آن بود که مدل مفهومی ارائه شده با توجه به کلیه معیارهای برازش مدل، مورد تأیید بوده و از اعتبار لازم برخوردار است. همچنین فرضیه کلی پژوهش تأیید شد و مشخص شد که مشارکت جنگل نشینان در حفظ جنگل تابعی از آگاهی و نگرش آنها درباره اهمیت جنگل است؛ به طوری که این دو مؤلفه در مجموع توانستند ۶۰ درصد از واریانس متغیر مشارکت در حفظ جنگل را تبیین کنند. هر یک واحد تغییر در متغیر آگاهی نسبت به جنگل و نگرش نسبت به اهمیت جنگل، سطح مشارکت در حفظ جنگل را به ترتیب به ۰/۳۲ و ۰/۴۱ واحد افزایش داد.

در نهایت با توجه به مطالب مذکور و همچنین نوع تخریب جنگل تأثیر عمده‌های بر تبیین و تحلیل رابطه فقر روستایی و تخریب جنگل های زاگرس دارد، لذا ضروری است در مطالعات این حوزه انجام گیرد لذا هدف اصلی از انجام این تحقیق، مروری تحلیل و بررسی نقش دهیاری‌ها در توسعه پایدار روستایی بود.

روش تحقیق

با توجه به اهداف، نوع پژوهش کاربردی و از نظر روش و ماهیت توصیفی می باشد. برای جمع آوری اطلاعات از روش کتابخانه ای و استفاده از سایت های اینترنتی و منابع علمی استفاده شده است. بر این اساس ابتدا به بررسی مقدمه، مبانی نظری، و پیشینه تحقیق و در نهایت به نتایج و بحث ارائه پیشنهادات به منظور بررسی عوامل تخریب جنگل ها زاگرس پرداخته می شود.

بحث و نتیجه گیری

جنگل‌ها، زیباترین منابع طبیعی پیرامون ما هستند و نقش مهمی را در سلامت جسمی و روانی موجودات زنده ایفا می کنند (حیدری و همکاران، ۱۴۰۰). جنگل‌ها و مراتع به عنوان یکی از منابع پایه تجدیدشونده، نقش مهمی در ایجاد بستر مناسب برای توسعه فعالیت های اقتصادی و اجتماعی ایفا می کنند. نقش جنگل در حفظ آب، خاک و تعادل بوم نظام های مختلف بسیار بارز و از بعد اقتصادی نیز مؤثر است (حبیبی و همکاران، ۱۳۹۲). کشور ایران به دلیل قرار گرفتن بر کمربند خشک جهان در زمینه ی پوشش جنگلی فقیر بوده و از نظر رتبه جزء آخرین کشورهای جنگلدار است این سطح نسبت به کل کشور در قاره آسیا به طور میانگین ۱۹ درصد است که این درصد در ایران یک سوم میانگین آسیا و یک چهارم میانگین جهانی است (محمدی تمری و احمدوند، ۱۳۹۶). ناحیه جنگلی زاگرس یکی از اکوسیستم های مهم جنگلی ایران و زیربخشی از منطقه ایران- تورانی است. این جنگل ها در اوایل دوره هولوسون (حدود ۱۱۰۰۰ سال پیش) به وجود آمدند و به واسطه اقلیم، خاک، زمین شناسی، پوشش گیاهی، عوامل انسانی، منابع زنی و فیزیوگرافی، منحصر به فرد خود اهمیت فراوانی برخوردارند (قادرزاده و همکاران، ۱۳۹۴). این جنگل ها طی دهه های گذشته به دلیل اثر عوامل اقتصادی و اجتماعی، نبود اعمال مدیریت جامع منابع طبیعی، توان تولیدی خود را از دست داده به طوریکه آینده جنگل های منطقه را به مخاطره افکنده است. تغییر کاربری اراضی، قطع درختان، چرای دام، آتشسوزیهای عمدی و غیرعمدی و تهاجم آفات و بیماریها همه از عوامل اصلی تخریب در اکوسیستم جنگلی زاگرس بشمار می آیند (مهدوی و

همکاران، ۱۳۹۸). جنگل، به عنوان چراگاه دام، پشتیبان تولید دامداری، عرصه‌های برای تأمین زمین و تولید کشاورزی، و محل تهیه مواد لازم برای ساخت و ساز خانه‌های روستاییان، و در سال‌های اخیر، تهیه و فروش چوب قاچاق برای تأمین درآمد بوده است (عوافی همت همکاران، ۱۳۹۲). رویشگاه زاگرس با در بر گرفتن بیش از ۱۱ استان کشور، اهمیت زیادی در مدیریت آب، خاک، کشاورزی، اقتصاد و معیشت مردم دارد. (محمدی تمری و احمدوند، ۱۳۹۶). در شرایط فعلی در اکثر مناطق روستایی ایران، به ویژه در روستاهای مناطق جنگلی، روستاییان در ارتباط تنگاتنگ با منابع طبیعی به طور کلی و جنگل به طور خاص هستند. همچنین بخشی از زندگی آنان به جنگل و منابع طبیعی وابسته است (عوافی همت همکاران، ۱۳۹۲). با توجه به رشد جمعیت در کشورهای جهان سوم و به ویژه کشور ایران و نیاز مردم به تولید بیشتر مواد غذایی، اشتغال، مسکن و سایر نیازهای زیربنایی و نظر به اهمیت مسائل زیستمحیطی و نقش جنگل در توسعه ی زیستبوم، پایداری آن، حفاظت از جنگل‌ها و بهره برداری صحیح و توسعه و احیاء آن در کنار توجه به مسائل اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جزء لاینفک در امور جنگلداری و به موجب آن توسعه پایداری روستاهای حاشیه ی جنگل می باشد (محمدی تمری و احمدوند، ۱۳۹۶). بر اساس گزارش کمیسیون کشاورزی آب و منابع طبیعی مجلس شورای اسلامی، میانگین تخریب جنگل‌های کشور بالغ بر ۲۶/۹ هزار هکتار در سال است. تخریب جنگل و مراتع و از بین رفتن پوشش گیاهی منجر به افزایش فرسایش خاک و وقوع سیل‌های ویرانگر در ساله‌ای اخیر شده است (اسحاقی و همکاران، ۱۳۹۶). لذا در این پژوهش به تحلیل بررسی اثر فقر روستائی بر تخریب جنگلهای زاگرس پرداخته است از عوامل اصلی تخریب محیط زیست در اقتصاد رو به توسعه، فقیر شدن روستاییان بر اثر فشار افزایش جمعیت است. در فناوری کشاورزی سنتی، افزایش جمعیت سبب میشود که زمین مناسب برای کشت در دسترس نباشد و فقرا ناگزیر گردند که در حدی افزون بر توان بازتولید منابع طبیعی برای تهیه الوار و سوخت، درختان جنگلی را قطع کنند و دام‌ها را در مراتع بچرانند. بدین ترتیب، اقشار مورد بحث، در نواحی حاشیهای بیش از پیش به استفاده بیرویه از منابع طبیعی آسیب پذیر (منابعی که حقوق مالکیتشان به آنها واگذار نشده است) دامن زده اند (شریفی نیا و مهدوی حاجیلویی، ۱۳۹۰). فقر یک مانع اساسی در تحقق هدفهای توسعه پایداری است. فقر حاد در بسیاری از کشورهای در حال توسعه موجب تنزل کیفیت محیط زیست، تخریب جنگلها و آسیب رسانی به منابع طبیعی شده است (خداداد، ۱۳۹۸). در حال حاضر بسیاری از خانوارهای روستایی در زیر خط فقر به سر میبرند و در عین حال به منظور برآورده کردن نیازهای مالی و اقتصادی خود ناخواسته به اقداماتی مانند تخریب منابع طبیعی

و محیط زیست دست میزنند که شاید در کوتاه مدت مشکلات مالی آنها را حل و درآمدزایی برای آنها داشته باشد اما با گذشت زمان و در طولانی مدت توسعه پایدار روستاها را با خطر مواجه کرده و زمین فقر بیشتر و دور باطل آنرا فراهم میآورد (فرج اله و همکاران، ۱۳۹۹). بنابراین در پایان می توان گفت، پایین بودن سطح اقتصادی روستا و درآمد کم خانوارهای روستایی یکی از دلایل تخریب جنگل های زاگرس است. بنابراین در این تحقیق در جهت کاهش میزان جنگل های زاگرس پیشنهاداتی به شرح زیر ارائه میگردد

- ضروری است تا جهت کاهش تخریب جنگل های زاگرس سیاست های فقرزدایی اجرا شود.

- در تحلیل رابطه فقر روستایی و تخریب جنگل های زاگرس، جامعنگر بود و عوامل ساختاری، مدیریتی اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی را - اعم از درونی و بیرونی - که باعث تشدید فقر و افزایش تخریب جنگل ها میشوند، شناسایی کرد

- انجام دادن تحقیقات جامع و مناسب در زمینه فقر روستایی و تأثیر آن بر تخریب جنگل های زاگرس به عنوان یکی از چالشهای عمده توسعه پایدار کشورهای در حال توسعه

- با استفاده از روش ترویجی، آموزشی و جلب همکاری روستاییان فقیر و دامداران از طریق تشکیل جلسات، سخنرانی توأم با نمایش فیلم و اسلاید، آنان با پیامدهای منفی تخریب جنگل های زاگرس آشنا گردند و روشهای بهرهبرداری پایدار از منابع محیطی به آنان آموزش داده شود

- از طریق حمایت های مالی در قالب تسهیلاتی چون اعطای وام، اعتبار و یارانه باید روستاییان فقیر را به بهرهبرداری اصولی و پایدار از منابع غیر چوبی ترغیب کرد

- رایگان کردن هزینه های برق، آب و گاز روستاهای فقیر حاشیه جنگل نشین زاگرس

- نوع تخریب جنگل تأثیر به سزایی در تبیین و تحلیل رابطه فقر و تخریب جنگل های زاگرس دارد. لذا ضروری است در مطالعات این حوزه تخصصیتر وارد شده و در مورد جنگل های زاگرس در ارتباط با فقر روستایی تحقیقات دقیق تری انجام دهیم

- یکی از راهکارهای جلوگیری از تأثیر فقر بر جنگل های زاگرس تمرکززدایی و ایجاد عدالت فضایی از طریق برنامه ریزی آمایشی است.

- از طریق حمایت های مالی نظیر اعطای وام، اعتبار و یارانه بایستی روستاییان فقیر را در جهت بهره برداری اصولی و پایدار از منابع غیر چوبی ترغیب نمود.

منابع

- ۱- اسحاقی میلاسی، فاطمه. محمودی، بیت الله. یارعلی، نبی الله. (۱۳۹۶). وابستگی اقتصادی خانوارهای جنگل نشین به منابع جنگلی در شهرستان لردگان، مجله جنگل ایران، دوره ۹، شماره ۲، صص ۲۸۹-۳۰۰.
- ۲- اصغر، فرج اللهی. اسلامی، ایمان. اشتری مهرجردی، اباذر. (۱۳۹۹). تحلیل رابطه فقر اقتصادی و تخریب منابع طبیعی، ررسی مسائل اجتماعی ایران، دوره ۱۱، شماره ۲، صص ۳۴۲-۳۵۸.
- ۳- ایزدی، حامد. سواری ممبنی، آمنه. سواری، مسلم. (۱۴۰۱). تبیین عوامل مؤثر بر رفتار حفاظت از جنگل های زاگرس: کاربرد مدل فعال سازی هنجار، مجله جنگل ایران، دوره ۱۴، شماره ۳، صص ۳۲۷-۳۰۳.
- ۴- ایزدی، حامد. سواری ممبنی، آمنه. سواری، مسلم. (۱۴۰۱). تبیین هنجار اخلاقی، نیت و رفتار حفاظت از جنگلهای زاگرس، نشریه علمی تحقیقات حمایت و حفاظت جنگلها و مراتع ایران، جلد ۲۰، شماره ۱، صص ۴۱-۱۵.
- ۵- ایزدی، حامد. سواری ممبنی، آمنه. سواری، مسلم. (۱۴۰۱). تحلیل هنجارهای اخلاقی در نظریه رفتار برنامه ریزی شده برای پیش بینی رفتار خانوارهای روستایی در حفاظت از جنگل های زاگرس (مورد مطالعه: شهرستان دوره چگنی استان لرستان)، نشریه علمی جغرافیا و مخاطرات محیطی، انتشارات آنلاین ۱۴۰۱.
- ۶- ایمانی، بهرام. مولایی قلیچی، محمد. حسین پور، اسلام. (۱۴۰۲). تحلیل الگوی فضایی شهرکهای صنعتی استان قزوین، جغرافیا و روابط انسانی، دوره ۵، شماره ۴، صص ۱-۲۲.

- ۷- آرخی، صالح. محمودیان، عبدالرحمان. عمادالدین، سمیه. (۱۴۰۰). پیش‌بینی خطر تخریب جنگل با استفاده از سیستم اطلاعات جغرافیایی و مدل رگرسیون لجستیک (مطالعه موردی: شهرستان سردشت)، نشریه علمی جغرافیا و مخاطرات طبیعی، دوره ۱۰، شماره ۴، صص ۹۲-۶۹.
- ۸- باقری، رضا، و شتایی جویباری، شعبان. (۱۳۸۹). مدلسازی کاهش گستره جنگل با استفاده از رگرسیون لجستیک (مطالعه موردی: حوضه آبخیز چهل چای استان گلستان). مجله جنگل ایران، ۲(۳)، ۲۵۲-۲۴۳.
- ۹- توحیدی؛ مجید. جلالی؛ جواد. یزدیان؛ فرشاد. عادل، محمد نقی. جیروندزاد، رقیه. آذرنوش، محمد رضا. کوهستانی، جواد صادق. (۱۳۹۷). فصلنامه انسان و محیط زیست، شماره ۴۷، صص ۱۴۷-۱۵۷.
- ۱۰- حبیبی، بهرام. علیپور، حسن. کیادلیری، هادی. (۱۳۹۳). بررسی میزان مشارکت جنگل نشینان در مدیریت جنگل و چگونگی تقویت مشارکت (مطالعه موردی: منطقه بابلکنار شهرستان بابل)، تحقیقات جنگل و صنوبر ایران، دوره ۲۲، شماره ۱، صص ۱۲۰-۱۰۹.
- ۱۱- حکیمیان، کبری. (۱۳۸۸). بررسی تاریخی قلمرو جنگلهای ایران با تأکید بر جنگلهای شمال، پژوهش های جغرافیایی، شماره ۳۶، صص ۸۳-۱۰۳.
- ۱۲- خجسته، مژده و کریمیان، علی اکبر و اسماعیلی، رویا، ۱۳۹۰، بررسی و شناسایی عوامل تخریب جنگل ها و مراتع در ایران، همایش منطقه ای جنگلها و محیط زیست ضامن توسعه پایدار، صص ۱۲-۱.
- ۱۳- خداداد، مهدی. (۱۳۹۸). تحلیلی بر اثرات فقر بر تخریب محیط زیست در سکونتگاه‌های روستایی، مجله علوم جغرافیایی (جغرافیای کاربردی)، دوره ۱۵، شماره ۳، صص ۲۸-۳۶.
- ۱۴- خلیلی اردلی، زهره، (۱۴۰۰). بررسی رابطه فقر روستایی و تخریب جنگلهای زاگرس، پنجمین کنگره بین المللی توسعه کشاورزی، منابع طبیعی، محیط زیست و گردشگری ایران، تبریز.
- ۱۵- دریجانی، محدثه. محبوبی، محمد رضا. بارانی، حسین. عبدالله زاده، غلامحسین. (۱۳۹۶). عوامل مؤثر بر مشارکت جوامع محلی در پروژه احیای اراضی جنگلی تخریب یافته شهرستان ریگان، استان کرمان، دوره ۹، شماره ۴، صص ۵۷۰-۵۵۵.

- ۱۶- رحیمیان، مهدی. ایروانی، هوشنگ. کلانتری، خلیل. اعتماد، وحید. (۱۳۹۵). عوامل موثر بر بهره‌مندی پایدار از جنگل در بین جنگل‌نشینان استان لرستان، مجله اقتصاد و توسعه کشاورزی ایران، دوره ۴۷، شماره ۳، صص ۶۸۱-۶۷۳.
- ۱۷- روستا، کوروش، و حاجی آبادی، محمد. (۱۳۹۲). بررسی روش‌ها و تکنیک‌های ترویجی تاثیرگذار بر دانش، نگرش و مهارت بهره‌برداران، درباره مدیریت پایدار منابع طبیعی (مطالعه موردی استان خراسان جنوبی). تحقیقات اقتصاد و توسعه کشاورزی ایران (علوم کشاورزی ایران)، ۴۴(۴)، ۶۷۷-۶۶۵.
- ۱۸- زهرا شریفی نیا، زهرا. مهدوی حاجیلویی، مسعود. (۱۳۹۰). نقش فقر اجتماعی و اقتصاد روستایی بر تخریب محیط زیست (مطالعه موردی: مرتع ممیزی شده شوررود، بخش شیب آب شهرستان زابل)، پژوهش‌های جغرافیای انسانی تابستان، شماره ۷۶، صص ۶۸-۸۳.
- ۱۹- سلطانی، آرزو، (۱۳۸۵). بررسی اثر فقر روستائی بر تخریب جنگلها و ظرفیتهای بالقوه جنگلها در کاهش فقر روستائی، ششمین همایش ملی دو سالانه انجمن متخصصان محیط زیست ایران، تهران، صص
- ۲۰- سواری، مسلم. نقی بیرانوند، فاطمه. اسدی، زینب. (۱۴۰۱). تبیین نگرش زیست‌محیطی زنان روستایی در حوزه جنگل‌های زاگرس استان لرستان، دوره ۱۳، شماره ۱، صص ۱۸۱-۱۶۲.
- ۲۱- عادل، کامران و یخکشی، علی و عادل، فتانه، (۱۳۸۶). فقر، تخریب جنگل و مهاجرت در زاگرس لرستان (مطالعه موردی شولآباد لرستان)، ششمین کنفرانس اقتصاد کشاورزی ایران، مشهد. صص ۱۶-۱.
- ۲۲- عرفانی فرد، سیدیوسف. (۱۳۹۲). کارایی دو روش LIS و LTS در برآورد تعداد در هکتار درختان بنه (*Pistacia atlantica*) در جنگل‌های زاگرس. پژوهش‌های علوم و فناوری چوب و جنگل، ۲۰(۲)، ۴۰-۲۳.
- ۲۳- علیقلی زاده، ناصر. فیروزجایی، مرتضی تبار، مهرعلی. جایی، فیروز. (۱۳۹۵). بررسی وضعیت مشارکت روستاییان در مدیریت منابع طبیعی جنگلی در بخش بندپی شرقی شهرستان بابل، فصلنامه روستا و توسعه، صص ۱-۲۶.

- ۲۴- عوافی همت، محمد، شامخی، تقی، زبیری، محمود، عرب، داوودرضا، و قاضی طباطبایی، سیدمحمود. (۱۳۹۲). دلایل تخریب جنگل: بررسی مدل های ذهنی کارشناسان منابع طبیعی و مردم محلی با استفاده از روش پویایی های سیستم. جنگل و فرآورده های چوب (منابع طبیعی ایران)، ۶۶(۱)، ۵۴-۳۹.
- ۲۵- فیروزآبادی، سیداحمد، و عظیم زاده، دلارام. (۱۳۹۱). فقر روستایی و تخریب محیط زیست (مورد مطالعه روستاهای سرخون و بیدله از توابع استان چهارمحال و بختیاری). توسعه محلی روستایی - شهری (توسعه روستایی)، ۴(۲)، ۹۹-۱۲۰.
- ۲۶- قادرزاده، سمیه. شاکری، زاهد. حسینی، وحید. معروفی، حسین. (۱۳۹۴). عین عوامل محیطی مؤثر بر پراکنش گونه های گیاهی در زاگرس شمالی (مطالعه موردی: جنگلهای آرمده بانه)، مجله جنگل ایران، انجمن جنگلبانی ایران، سال هفتم، شماره ۳، صص ۲۹۹-۳۱۵.
- ۲۷- قاسمی آقباش فرهاد، فلاحی سارا. (۱۳۹۵). عوامل مؤثر در تخریب جنگل های بلوط منطقه اولاد قباد کوهدشت. نشریه تحقیقات اکوسیستم های جنگلی؛ ۳ (۲): ۸۱-۹۴.
- ۲۸- کرامتی مقدم، فرزانه. (۱۳۹۳). نقش فقر روستاییان بر تخریب محیط زیست (بویژه جنگل)، دومین کنفرانس ملی مخاطرات محیط زیست زاگرس، تهران.
- ۲۹- کیانی، بهمن. رحیمینیا، قاسم. امتحانی، محمدحسن. (۱۳۹۹). بررسی ساختار، الگوی پراکنش و تجدید حیات در جنگلهای بیابانی منطقه طراده، کرمان، نشریه علمی - پژوهشی مدیریت بیابان، شماره، ۱۵، صص ۸۵-۱۰۰.
- ۳۰- لطیفی نیا، اکرم. ملک نیا، رحیم. رحیمیان، مهدی. (۱۴۰۱). تحلیل رفتار مشارکتی گردشگران در حفاظت از جنگل بر اساس نظریه رفتار برنامه ریزی شده (مطالعه موردی: منطقه جنگلی قلعه گل شهرستان خرمآباد)، محیط زیست طبیعی، دوره ۷۵، شماره ۳، صص ۳۸۳-۳۷۲.
- ۳۱- محمدی تمری، ذکریا. احمدوند، مصطفی. (۱۳۹۶). نگرش روستاییان به مدیریت مشارکتی جنگل: مورد مطالعه روستاهای حاشیه ی جنگل بخش مارگون، شهرستان بویراحمد، علوم ترویج و آموزش کشاورزی ایران، دوره ۱۳، شماره ۱، صص ۱۷۴-۱۶۱.

۳۲- محمدی، یاسر. اعتماد، وحید. برآبادی، سیدابوالقاسم. انصاری اردلی، علیرضا. (۱۳۹۵). مدلسازی ساختاری تبیین رفتار مشارکتی روستاییان در حفظ جنگل (مطالعه موردی: ذخیره‌گاه جنگلی چهارطاق اردل)، مجله جنگل ایران، دوره ۷، شماره ۳، صص ۳۶۲-۳۴۱.

۳۳- معیری، محمدهادی، عابدی سروستانی، احمد، شهرکی، محمدرضا، و کوسه غراوی، یازمراد. (۱۳۹۴). تحلیل ارتباط مشارکت و توسعه روستاهای جنگل نشین (مورد مطالعه: تعاونی های جنگلداری استان گلستان). مجله جنگل ایران، ۷(۲)، ۱۵۰-۱۳۷.

۳۴- مهدوی، داوود. سجاسی قیداری، حمداله. محمودی، حمیده. (۱۳۹۸). تحلیل نگرش و رفتار زیست‌محیط‌گرایانه جوامع عشایری پس از اجرای طرح مدیریت مشارکتی جنگل و مرتع نمونه مطالعه: بخش بازفت استان چهارمحال و بختیاری، جغرافیا و برنامه ریزی محیطی، دوره ۳۰، شماره ۲، صص ۱۵۶-۱۳۵.

۳۵- نورزاد مقدم، محسن. شامخی، تقی. اعتماد، وحید. عوافی همت، محمد. (۱۳۹۳). بررسی مصرف همیزم خانوارهای روستایی در مناطق جنگلی بیلاقی شمال ایران و عوامل مرتبط با آن (مطالعه‌ی موردی روستاهای بیلاقی ارتفاعات جنوبی جنگل آموزشی - پژوهشی خیرود)، مجله جنگل ایران، انجمن جنگلبانی ایران، سال ششم، شماره ۱، صص ۱۱۳-۱۲۵.

۳۶- ولایتی، سعداله، و کدیور، علی اصغر. (۱۳۸۵). چالش های زیست محیطی جنگلها و مراتع ایران و پیامدهای آن. جغرافیا و توسعه ناحیه ای، ۴(۷)، ۷۲-۵۳.

۳۷- ولائی محمد، عبدالهی عبدالله، محمدی قاضیجهانی حسین. (۱۳۹۹). نقش دامداران در تخریب محیط زیست مناطق کوهستانی (مورد مطالعه: دهستان باروق، شهرستان میاندوآب). مطالعات جغرافیایی مناطق کوهستانی، ۱(۱): ۷۸-۵۹.